

مرور

نگاهی به کتاب «تفکر انتقادی: تدابیری برای آگاهانه زیستن و خوب آموختن»

دانش فعال شده

جوادلگزبان

همه ما دامن‌ا مشغول تفکر درباره موضوعات مختلف هستیم و البته گاهی طرز فکرمان به جای راهگشایی به ما آسیب می‌زند و ما را به بن‌بست می‌کشاند. لیندا الدر، روان‌شناس آموزشی و ریچارد پل، معلم و متفکر آمریکایی، در کتاب «تفکر انتقادی: تدابیری برای آگاهانه زیستن و خوب آموختن» سعی دارند به ما کمک کنند با مسلط‌شدن بر نحوه تفکر، مهار اعمال، آموزه‌ها و احساسات خود را در دست گیریم و با کشف قدرت تفکر خود طوری آن را پرورش دهیم که به خدمت خودمان و بهروزی دیگران باشیم. به این ترتیب، کتاب با آموزشی گام به گام، مثال‌هایی ساده و ملموس و تمرینات بسیار به‌موقع و دقیق، ما را در شش مرحله در مسیر متفکر حرفه‌ای هدایت می‌کند: مرحله اول نامتفکر؛ از مشکلات اساسی تفکر خود بی‌اطلاع هستیم؛ دوم متفکر چالش‌طلب: از مشکلات موجود در تفکر خود آگاه می‌شویم؛ سوم متفکر مبتدی: سعی می‌کنیم متفکر بهتری بشویم اما بدون برنامه منظم، چهارم متفکر کار-آموخته: از ضرورت تمرین منظم مطلع می‌شویم؛ پنجم، متفکر پیشرفته: به تناسب میزان ممارست‌مان پیشرفت می‌کنیم و مرحله ششم، متفکر حرفه‌ای: تفکر ماهرانه و باصبریت سرشت ثانوی ما می‌شود. کتاب در ۱۹ فصل سازمان یافته است: متفکر منصف، چهار مرحله اولیه پیشرفت: خودشناسی؛ مؤلفه‌های تفکر؛ معیارهایی برای تفکر؛ پرسش‌هایی که به تفکر قوی منجر می‌شوند؛ اشراف بر تفکر، اشراف بر محتوا؛ یادگیری خود را طرح‌ریزی کنید؛ یادگیری خود را ارزیابی کنید؛ حل‌کردن مشکلات؛ ادعان به تمایلات نامعقول خود؛ پایش تمایلات جامعه‌محورانه؛ پیشرفت در مقام استدلالگر اخلاقی؛ یادگیری و کاربرد انتقادی و اخلاقی اطلاعات، بخش اول، نقد رشته‌های علمی؛ یادگیری و کاربرد انتقادی و اخلاقی اطلاعات، بخش اول؛ روش و یک مثال؛ تفکر راهبردی، بخش اول؛ تفکر راهبردی، بخش دوم و متفکر پیشرفته. از نگاه کتاب تفکر انتقادی نوعی شیوه اندیشیدن است درباره هر موضوع. زمینه یا مشکلی که در آن، متفکر به واسطه احاطه بر اجزای سازنده تفکر و اعمال معیارهای عقلی در مورد آنها، کیفیت تفکر خود را بهبود می‌بخشد. در مبحثی جالب کتاب از تفکر با استفاده از اطلاعات سخن می‌گوید: «استدلال بدون استفاده از واقعیات، داده‌ها یا تجارب در جایگاه اجزای تشکیل‌دهنده تفکر فرد ناممکن است و یافتن منابع اطلاعاتی قابل اطمینان و پالایش تجربه به‌گونه‌ای منتقدانه از اهداف مهم متفکر انتقادی محسوب می‌شود. ما باید در مورد منابع اطلاعاتی خود هشیار باشیم و در کاربرد تجارب خود تحلیلگرانه برخورد کنیم. ممکن است تجربه بهترین معلم باشد، اما تجربه‌های سوگیرانه بر مبنای تعصب، تجربه‌های تحریف‌شده ناشی از کج‌اندیشی و تجربه‌های گمراه‌کننده منجر به خودفریبی می‌شود. بنابراین ما نباید تجارب خود را مقدس بدانیم. تجربه یکی از ابعاد مهم تفکر است که باید مانند باقی ابعاد به‌گونه‌ای انتقادی تحلیل و ارزیابی شود».

کتاب آنگاه به این می‌پردازد که ذهن می‌تواند اطلاعات را به سه شیوه متمایز درک کند: از طریق درونی‌کردن اطلاعات بی‌فایده، با شکل‌دادن به نادانی فعال‌شده و با دستیابی به دانش فعال‌شده. منظور از اطلاعات بی‌فایده در این کتاب، اطلاعاتی هستند که جذب و حفظ می‌شوند، اما درک نمی‌شوند. برای مثال اکثر افراد طی دوران تحصیل خود اطلاعات زیادی درباره دموکراسی کسب کرده‌اند که باعث می‌شود فکر کنند آن را درک کرده‌اند؛ اما بخش اعظم اطلاعاتی که درونی کرده‌اند لفظی و توخالی است. کودکان بسیاری در مدرسه می‌آموزند که «دموکراسی یعنی حکومت مردم توسط مردم و برای مردم». این عبارت جانب اغلب در ذهن‌شان باقی می‌ماند و باعث می‌شود فکر کنند معنای آن را می‌دانند، گرچه بیشتر آنها آن را به صورت معیار عملی برای ارزیابی میزان وجود دموکراسی در کشور تعبیر نمی‌کنند. اکثر افراد نمی‌توانند به‌طور واضح به پرسش‌های زیر پاسخ دهند: تفاوت میان حکومت مردمی و حکومتی برای مردم چیست؛ تفاوت میان حکومتی برای مردم و حکومت به دست مردم چیست؛ تفاوت میان حکومت به دست مردم و حکومت مردمی چیست؛ و منظور از «مردم» دقیقاً چیست. متفکر انتقادی سعی می‌کند با درک این موضوع و تبدیل این اطلاعات به چیزی برمعنی به کمک تحلیل، ذهن خود را از اطلاعات بی‌فایده پاک کند. کتاب سپس بیان می‌کند که منظور از نادانی فعال‌شده، جذب و استفاده از اطلاعات غلطی است که گمان می‌کنیم درست و دقیق هستند. رنه دکارت باور داشت که حیوانات فاقد احساس و ماشین‌هایی خودکار هستند و بر اساس این نادانی فعال‌شده آزمایش‌های دردناکی روی آنها انجام می‌داد و چنین وانمود می‌کرد که ضجه‌های آنان قیل‌وقالی بیش نیست... گاهی نادانی فعال‌شده مبنایی برای اعمال گسترده‌ای می‌شود که میلیون‌ها نفر مرتکب می‌شوند. گاهی نادانی فعال‌شده تصور غلط شخصی‌ای است که فقط یک نفر و در محیطی محدود آن را اعمال می‌کند. در هر حال نادانی فعال‌شده به هر صورت که وجود داشته باشد خطرناک است. در اینجا کتاب تذکر می‌دهد: بنابراین لازم است که ما درستی یا باورهای خود را بررسی کنیم؛ به‌خصوص اگر عملکردن بر اساس این باورها باالوقه باعث آسیب، تاراجتی و صدمه برای دیگران باشد. این فرض که برخی باورهای هر فرد نوعی نادانی فعال‌شده است، منطقی به نظر می‌رسد. از میان بردن هرچه بیشتر این باورها مسئولیتی است که بر عهده تمامی ماست. کتاب درباره دانش فعال‌شده می‌نویسد: منظور از دانش فعال‌شده، نیت‌ها جذب و استفاده از اطلاعات درست، بلکه جذب اطلاعاتی است که اگر به‌درستی درک شوند، ما را به سوی اطلاعات بیشتر هدایت می‌کنند. کتاب تأکید دارد: از دیدگاه تفکر انتقادی درک منطق تفکر تاریخی به صورت راهی برای درک منطق تاریخ قدرت بیشتری دارد. هنگامی که این ایده‌های بنیادین را درک کنیم، آنها نوعی دانش فعال‌شده می‌شوند و ما را قادر می‌سازند تا از طریق بررسی دانش تاریخی پیشین، دانشی تاریخی به دست آوریم. برای مثال می‌توانیم از درک اهداف بنیادین تفکر تاریخ کنیم: ساختن روایت یا گزارش از گذشته به ما در درک بهتر زمان حال یا برنامه‌ریزی منطقی برای آینده کمک می‌کند. هنگامی که این دانش بنیادین را از منطق تاریخ به دست آوریم، درمی‌یابیم که هم‌اکنون در زندگی روزمره خود از تفکر تاریخی استفاده می‌کنیم، همچنین ارتباط میان تفکر موضوعی و تفکر در موقعیت‌های روزمره را درک می‌کنیم، و بحث با این پاراگراف درخشان پایان می‌گیرد: بنابراین، دانش فعال‌شده دانشی است که از ایده‌های بکر و پویا نشئت گرفته و هنگامی که به شکلی نظام‌مند همراه با تجارب مشترک به کار رود، ما را قادر می‌سازد دانش بیشتری به دست آوریم. امکان کسب دانش فعال‌شده در هر رشته انسانی وجود دارد. ما ابتدا به سراغ اطلاعات بنیادین درباره ایده‌ها و اهداف بنیادین یک رشته می‌رویم. سپس با تکیه بر این مفاهیم بنیادین و اصول نخستین می‌توانیم قدرت اندیشه، دانش و تجربه را که هماهنگ با یکدیگر عمل می‌کنند درک کنیم. عادت مطالعه برای یافتن منطق چیزها یکی از قدرتمندترین شیوه‌های دریافت دانش فعال‌شده است، و در عین حال یکی از مهم‌ترین کلیدهاست برای آنکه یادگیری مداوم جزء لاینفک زندگی انسان شود.



تفکر انتقادی

تدابیری برای آگاهانه زیستن و خوب آموختن
لیندا الدر و ریچارد پل
ترجمه دکتر اکبر سلطانی و مریم آقازاده
انتشارات اختران

هیبرون در نخستین نامه‌اش به بلارمین می‌نویسد فراموش کن که انسان‌ها هم هستند و به جایی برگرد که از دانش رفتی: به آغوش طبیعت، طبیعت آرام و بی‌تناوب و تغییر. واقعیت جهان موجود هیبرون را دلزده و رنج‌ور کرده و او که گویی در حال خفه‌شدن در این جهان است، می‌نویسد: «خوشا به حال آن مرد که وطنی شکوفا، شادی و دلگرمی‌اش می‌بخشد! من که انگاری در منجلابم می‌اندازند، انگاری که در تابوت را به رویم می‌پندند هرباره که به خودم باز می‌آورند. و هرگاه کسی یونانی صدایم می‌زند، حالی می‌یابم، پنداری که با قلابه سگ راه گلویم را می‌پندند».

«هیبرون» فریدریش هلدلرین را شاعرانه‌ترین رمان آلمانی نامیده‌اند که طبیعت، انقلاب و سیاست حضوری پررنگ در آن دارند. این رمان نیز مانند «رنج‌های ورتر جوان» گوته مجموعه‌ای از نامه‌هاست. نامه‌هایی از جوانی یونانی با نام هیبریون خطاب به دوست آلمانی‌اش بلارمین. نامه‌هایی که البته بدون پاسخ‌اند و نیز رویدادی را پیش نمی‌برند. این نامه‌ها حاصل دلسردی و شکست هیبریون از تحقق آرمان‌های اجتماعی‌اش و حاصل دوران انزوای اوست. محمود حدادی در متنی که به پایان ترجمه‌اش از «هیبرون» ضمیمه کرده، درباره این شکست و انزوا نوشته است: «برپایی رابطه‌ای هماهنگ میان زندگی شخصی و اجتماعی، و زدودن بیگانگی انسان با خود و طبیعت، یعنی آن آرزوهایی که باید با تحقق خود به آرمان‌شهر هیبریون واقعیت ببخشند، در برخورد با ساختارهای پراعوجاج اخلاقی-اجتماعی روزگار او فرجامی نمی‌یابند و این شکست هیبریون را وامی‌دارد که خلوص هویت خود را به ناگزیر در گوشه‌نشینی و انزوا حفظ کند. از این سرخوردگی‌اش در احیای مدنیت عتیق یونانی و شکل‌دادن دوباره به یک زندگی سزاوار و خودآگاه انسانی است که هیبریون، قهرمان داستان، در نامه‌هایش به بلارمین می‌نویسد و به این ترتیب قطعه به قطعه و با زبانی شاعرانه به داستان گلایه‌آمیزی شکل می‌بخشد که بستر بیان اندیشه‌های تعالی‌جویانه خود او، یا به عبارتی هلدلرین قرار می‌گیرند.» «هیبریون» سرشار از آرمان‌ها و ایده‌هایی در ستایش یونان باستان، همین‌طور در ستایش از طبیعت و نیز آزادی و فردیت برخاسته از انقلاب فرانسه است.

هلدرلین به نسلی تعلق دارد که در سوگ زندگی می‌کند و لوکاج می‌گوید ستایش رمانتیک شور و هیجان و اشتیاق رمانتیک به دوران رنسانس از همین سوگ سرچشمه می‌گیرد؛ از جست‌وجوی ناامیدانه الگوهای شور و هیجان برای مواجهه با دنیای کنونی که حقیر و بی‌چشم‌انداز شده است. بسیاری از مضامین رمانتیک‌ها، مثل وحدت با طبیعت و بازگشت به جهان پیشاسرمایه‌داری در رمان «هیبرون» وجود دارد. با از میان‌رفتن معنا در جهان سرمایه‌داری که مبتنی بر ارزش مبادله و شیء‌وارگی و سلطه پول است و در شرایطی که انسان حس می‌کند ارزشمندترین چیزها را باخته یا با ارزش‌هایی ازخودبیگانه روبه‌رو است، بازگشت به گذشته توسط رمانتیک‌ها ستایش می‌شود. برای هلدلرین نیز یونان باستان همان جایی است که انسان و طبیعت به وحدت می‌رسند.

فریدریش دلامت فوکه را هم می‌توان متعلق به همان نسلی دانست که به تعبیر لوکاج در سوگ زندگی می‌کردند. فوکه (۱۷۷۷-۱۸۴۳) از تبار اشراف پروتستان فرانسوی بود و خود افسر ارتش پروس بود و در جنگ‌های ضد ناپلئون شرکت داشت. آثار او هدفی روشن را دنبال می‌کردند: بیدارکردن سنت‌های ملی از طریق آرمان‌های شوالیه‌گری قرون وسطی برای برانگیختن هویت ملی آلمانی در دوران ناپلئون. محمود حدادی که اخیراً اثر مشهور فوکه با عنوان «اوندینه» را هم به فارسی برگردانده، در یادداشت ابتدایی کتاب نوشته که نگرش فوکه از اشرافیت مقید به سنت نقش گرفته است: سربرداشتن نظام سرمایه‌داری صنعتی، رقابت خونین کشورهای پیشرو در صنعت، خاصه انگلستان و فرانسه بر سر تقسیم استعماری جهان نیز اشغال پانزده‌ساله خاک آلمان به دست ارتش ناپلئونی، میل گریز از اکنون به گذشته‌ای در ظاهر صالح‌آمیزتر را در دل فوکه بیدار کرد و زمینه‌ساز گرایش او به مکتب رمانتیک شد که درون‌مایه‌های گذشته‌گرای آن، واکنشی است به آشوب‌های چندگانه زمانه شاعر.

درباره «همیشه‌پسر» بهار کاتوزی

خانه‌ای روی آب

محمدحسین اسدی



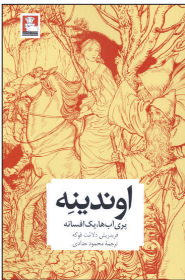
همیشه‌پسر
بهار کاتوزی
نشر چشمه

نگاهی به داستان «اوندینه» فریدریش دلامت فوکه با ترجمه محمود حدادی

در سوگ جهان بی چشم‌انداز

پیام حیدرقزوینی

فوکه هم‌عصر هلدلرین و تحت تأثیر او و به‌خصوص رمان «هیبرون» بود و درواقع به واسطه آشنایی با این رمان بود که رؤیاهایش به سوی واقعیتی والا و به سوی یونان باستان کشیده شد. فوکه نیز همچون هلدلرین معتقد بود زندگی انسان نه یک مسیر مستقیم و ساده بلکه شامل گذرگاه‌های دشوار است و باید از مسیری سراسر پیچیده به سوی کمال رفت. در «هیبرون»، قهرمان از وحدت نخستین با طبیعت، به تجربه ناکامی و گسست می‌رسد و در نهایت به رابطه‌ای با واسطه با جهان دست می‌یابد. در «اوندینه» نیز اوندینه از قلمرو طبیعت محض بیرون می‌آید، روح می‌یابد، رنج می‌کشد و در نهایت به سرچشمه بازمی‌گردد. همچنین هر دو آنها در پی احضار اسطوره و به تعبیری پیوند اسطوره کهن با زمان حال بودند. «اوندینه» و «هیبرون» با وجود همه تفاوت‌هایشان در سبک و محتوا و نوع جهان‌بینی، از نظر توجه به الگوهای



اوندینه

فریدریش دلامت فوکه
ترجمه محمود حدادی
نشر مهراندیش



بنیادین رمانتیسیم به هم شباهت دارند. در «هیبرون»، آرزوی رسیدن به وحدتی که ناهماهنگی‌های جهان را از میان بردارد وجود دارد. «اوندینه» نیز تجسم همین اشتیاق است: موجودی که از قلمرو طبیعت برمی‌خیزد تا به روح و کمال انسانی برسد. هر دو اثر در پی آشتی‌دادن امر جزئی با امر مطلق هستند، هرچند با نتایج متفاوت. با این حال، «هیبرون» درون‌مایه‌ای فلسفی‌تر دارد و سرشار از انتقاد سیاسی و اجتماعی است اما «اوندینه» بیشتر در قلمرو جهان افسانه و جادو باقی می‌ماند.

فوکه از مشهورترین و محبوب‌ترین نویسندگان مکتب رمانتیک آلمان بود و از میان آثار متعدّدش «اوندینه» را می‌توان مهم‌ترین اثرش نامید. این کتاب اولین بار در ۱۸۱۱ منتشر شد و با ستایش گونه روبه‌رو شد و در نویسندگان و شاعران نسل بعدی هم بیش از همه با استقبال هاینریش هاینه مواجه شد و همچنان منبع الهام بسیاری از شاعران و نویسندگان آلمانی است.

«اوندینه» نمونه‌ای برجسته از افسانه هنری و یکی از محبوب‌ترین آثار ادبیات رمانتیک آلمان به شمار می‌رود. این اثر در اوج دوره رمانتیسیم آلمان نوشته شد و پیوندی است میان داستان‌های شوالیه‌گری قرون وسطی، اسطوره‌های طبیعت و معنای رستگاری مسیحی. حدادی در بخشی از یادداشت ابتدایی کتاب درباره تلفیق نویسندگان مکتب رمانتیک درباره بازگشت به طبیعت نوشته است: «دنج‌گوشه طبیعی خالی از حضور انسان نزد پیروان این مکتب نه آرمان، بلکه حیطه‌ای خالی برای فرار از ناسازی‌های اجتماعی سرمایه‌داری بود، نظام نواخته‌ای که هنوز به هیچ درکی از حرمت زمین و حق مردم وابسته به کار نرسیده بود». آنها در پی دنیای گمشده‌ای هستند که برخلاف تجسم دروغین یگانگی بورژوازی است.

اوندینه موجودی میان طبیعت محض و روح محض است. او نه کاملاً موجودی طبیعی است و نه صاحب روح کامل انسانی. او از طریق عشق به شوالیه هولدبراند روح به دست می‌آورد و از این طریق به فناناپذیری می‌رسد. اما این روح‌یافتن، هم‌زمان به معنای تحمل رنج‌های زمینی است. این ساختار، آرزوی محوری رمانتیک‌ها را نشان می‌دهد: اشتیاق به آشتی طبیعت و روح و بهایی که باید برای آن پرداخت. در یادداشت ابتدایی ترجمه فارسی «اوندینه» درباره مضمون آشتی با طبیعت با بازگشت به طبیعت از قول ماری لوئیز کاشنرینس آمده است: «همه موجودات افسانه‌ای یک نقطه مشترک دارند، و آن دگرپذیری آنها در طی زمان بوده است. گذار آنها از عمق تاریک عناصر بنیادین طبیعت به عرصه روشن ادبیات هومری، از چنبره نیروهای سازنده و ویرانگر طبیعت به ساحت اندیشه انسان که مقهور سرنوشت است و با این حال بر اساس اراده خود عمل می‌کند. چنین گذاری راه‌جستن از تاریکی به روشنایی کنشی آزادی‌بخش، اما هم‌زمان خطرناک است. خاستگاه آن زهدان غارهاست و مقصدش جاودگنی ناب، یعنی اندیشه. شگفتا که در مقابل شوق به درآمدن و راه‌یابی، شوقی دیگر هم سر برمی‌دارد: شوق بازگشت به خاستگاه و یگانه‌شدن با طبیعت. به لطف این شوق خدایان و خدایان با یکدیگر پیوند می‌یابند و عطش دانستن رازهای زمین حتی در جان خدایان می‌رود... در رمزگشایی از این رابطه دوسویه، این رهایی پرشکوه و فاجعه‌بار روح آدمی از طبیعت نخستین، شاید بتوان نیت ناآگاه هر آن بازخوانی اسطوره را دریافت».

«اوندینه» را می‌توان داستان عشق میان موجودی از طبیعت و یک انسان دانست که در آن اشتیاق به روح، رنج را به ارمغان می‌آورد و توانایی انسان در پذیرش آنچه غیرزمینی است، به فاجعه می‌انجامد. این اثر نمونه‌ای کامل از رمانتیسیم آلمانی است؛ هم در فرم، هم در درون‌مایه و هم در زمینه تاریخی. اوندینه را می‌توان نماینده قلمرو طبیعت دانست، در حالی که هولدبراند نماینده دنیای انسانی و تمدن است. پیوند آنها به‌مثابه تلاش برای آشتی‌دادن این دو جهان است. اما این تلاش به شکست می‌انجامد. اوندینه به معنای موج آب است و در اسطوره‌های آلمانی یک پری دریایی است با مقام ایزدی و در ادبیات عامیانه پری‌ای محبوب و در برخی روایت‌ها برخوردار از صورتی سحرآمیز.

نشسته، تلویزیون تماشا می‌کند و سیگار می‌کشد، فراموش کرد؟ یا تصویر فریادزدن فرهاد را، آن هم در حالی که ظاهراً همه چیز عادی است، ندید؟ این تصاویر در ذهن می‌مانند؛ نه‌فقط به خاطر آن‌که خوب توصیف شده‌اند، بلکه چون در ساختن فضای روانی داستان نقش دارند. خانه، صداها، اشیاء، کربها، آب، سیگار و حتی سکوت‌ها، همه به بخشی از روایت تبدیل می‌شوند. تمام اینها باعث می‌شود با داستانی جذاب و خوش‌ریتم روبه‌رو باشیم. داستانی که در توصیف و تصویرسازی توانمند است و به جای آن‌که صرفاً قصه‌ای را برایمان تعریف کند، مخاطب را وارد فضای خودش می‌کند. «همیشه‌پسر» را که می‌خوانید، انگار به خانه‌ای بازگشته‌اید که سال‌هاست از آن فرار کرده‌اید؛ خانه‌ای که شاید دیوارهایش قدیمی شده باشند، آدم‌هایش تغییر کرده باشند و حافظه‌اش ترک برداشته باشد، اما هنوز چیزی در آن منتظر شماست. شاید همین است که برگشتن را این‌قدر دشوار می‌کند. اینکه بعضی خانه‌ها فقط خانه نیستند؛ گاهی تمام گذشته ما در آنها منتظر ایستاده است.

آگهی مزایده فروش شش دستگاه لیفتراک (کارخانه زمزم آبادان)

شرکت زمزم ایران در نظر دارد تعداد شش عدد لیفتراک موجود در کارخانه زمزم آبادان را از طریق برگزاری مزایده عمومی به فروش رساند.

متقاضیان می توانند از تاریخ۱۴۰۵/۰۶/۲۴ لغایت۱۴۰۵/۰۷/۰۴ جهت بازدید و کسب اطلاعات بیشتر به آدرس: آبادان، جاده آبادان به اهواز، شهرک صنعتی فاز یک شرکت زمزم آبادان، آقای حمیدی:۰۹۱۶۶۳۴۲۴۴۱ و برای تحویل مدارک به آدرس های ذیل مراجعه نمایند:

۱) آبادان، جاده آبادان به اهواز، شهرک صنعتی فاز یک شرکت زمزم آبادان، آقای حمیدی:۰۹۱۶۶۳۴۲۴۴۱

۲) تهران، خیابان انقلاب، خیابان خارک، پلاک ۲۴، طبقه سوم، دبیرخانه شرکت زمزم ایران

آخرین مهلت تحویل مدارک ساعت ۱۶:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۴ و تاریخ بازگشایی در نهایت ۱۵ روز کاری پس از آخرین روز دریافت پاکت ها می باشد .

- لازم بذکر است بر روی پاکت ها قید گردد مربوط به مزایده عمومی شش دستگاه لیفتراک کارخانه زمزم آبادان

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول انجمن علمی پرناتولوزی ایران
به شماره ثبت ۱۹۰۳۷۱۱۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۴۲۶۷۰
احتراماً بدینوسیله از کلیه اعضای محترم پیوسته انجمن دعوت به عمل می آید تا در مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول، که روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۳ از ساعت ۱۴ الی ۱۵ به آدرس تهران، خیابان قاطمی،خیابان سیندخت جنوبی، کوچه مقدم، پلاک ۹ واحد ۱، طبقه اول، دفتر انجمن برگزار می گردد، شرکت فرمایند.
دستور جلسه: ۱- بررسی و تصویب تغییر آدرس پستی انجمن۲- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده انجمن می باشد.
هیئت مدیره انجمن علمی پرناتولوزی ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
آگهی دعوت شرکت سهامی خاص توسعه کشاورزی ایک بولو منطقه آزاد ماکو به شماره ثبت ۶۶۴۶ و شناسه ملی ۱۴۰۱۳۳۷۵۳۴۲
جلسات مجمع عمومی فوق العاده، مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده و جلسه هیئت مدیره به ترتیب از ساعت ۱۵ تا ۱۵ صحر مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۷
به آدرس: استان آذربایجان غربی، شهرستان ماکو، بخش مرکزی، باغچه جوق، خیابان سردار، کوچه آخوندزاده ، طبقه همکف ، پلاک ۵ .
کدپستی ۵۸۶۱۱۱۱۵
دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده: ۱) نقل و انتقال سهم الشرکه
دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده: ۱) انتخاب اعضای هیئت مدیره ۲) انتخاب بازرسیین
دستور جلسه هیئت مدیره: ۱) تعیین سمت مدیران ۲) دارندگان حق امضا مجاز